

ادامه از صفحه ۲

جدال در اینستاگرام

او همچنین در پاسخ به طعنه مطهری نوشت: «آقای مطهری در این بند اظهاراتشان علیرغم بسیار جدی بودن مسئله، به سمت لودگی هم لغزیده‌اند آنجا که مسائل مربوط به رفتار بانوی محترمی را که همشیره ایشان هستند و همسر رئیس مجلس در قالب انتظارات من و البته به صورت طنزآلود مطرح ساخته‌اند و حرف از کفگیر و لنگه کفش به میان آورده‌اند! که حاصلی جز لوث‌کردن کل مکتوبشان نداشته». بخش پایانی پست دیروز کوچک‌زاده هم پاسخ‌های او به انتقاد مطهری درباره سکوت در دولت قبل بود. کوچک‌زاده در این‌باره نوشت: «اگر منظور تان رفتار آقای احمدی‌نژاد در برابر مادر پیر و دل‌شکسته مرحوم چاوز، رئیس‌جمهور انقلابی ونزوئلاست، باید عرض کنم به فرض صحت ادعاها در این مورد من کار آقای احمدی‌نژاد را کاملا منطبق بر رفتار انسانی و احترام‌آمیز و مورد قبول مردم مسلمان ایران می‌دانم. گرچه لازم است در مواقع غلیان احساسات انسانی تلاش شود ضوابط و احکام شرع مدنظر مؤمن باشد». کوچک‌زاده حتی دامنه این نگاه روشن خود را فراتر از مورد محمود احمدی‌نژاد برده و در پایان بدون نام‌بردن از رئیس‌جمهور دوران اصلاحات آورده: «لازم است بدانیم من حتی رفتار آن آقاییی که امروز به دلیل غرورش حاضر نیست توبه کند و از سرمرداری هتته‌گران خود را جدا کرده و به آغوش خیرخواهانش بازگردد را در زمانی که گفته شد در ایتالیا با خانمی دست داده است مورد سرزنش قرار ن‌دادم و آن رفتار را نیز به فرض صحت ادعاها علیرغم غیرمنطبق‌بودن با احکام شرع موجب تحقیر ملت ایران نمی‌دانم».

خطرات حاشیه‌ساز دبیرستان علوی

اما ادامه‌یافتن این مجادله بینک‌پنگی در اینستاگرام که با توجه به پست اخیر کوچک‌زاده، به نظر می‌رسد باید منتظر پرده‌های بعدی آن باشیم، بار دیگر خاطره مشاجرات این دو در مجلس قبل را زنده کرد. مشاجراتی که این‌بار کوچک‌زاده آن را به دوران دبیرستان علوی و «پس‌کله‌ای» زدن به مطهری ربط داده تا خاطره‌ای که مطهری در مجلس هشتم درباره دوران دبیرستان از کوچک‌زاده نقل کرده بود، جبران شود. ماجرا از این قرار بود که تیرماه ۸۹ در بحبوحه تجمع سازمان‌یافته مقابل مجلس و سردادن شعار علیه لاریجانی به دلیل تصویب قانونی به نفع دانشگاه آزاد، صحن مجلس نیز شاهد برخورد فیزیکی این دو نماینده بود. علی مطهری در توضیح ماجرای آن روز هم یادداشتی منتشر کرد که در آن آمده بود: «... خودبه‌خود و بدون اینکه از قبل طراحی کرده باشیم، نام ایشان بر زبانم جاری شد و از آنجا که ما دو، سه‌سالی در دبیرستان علوی همکلاس بودیم و در آن زمان نام خانوادگی ایشان کوچکف بود و ایشان را به این نام صدا می‌زدیم، طبق عادت مألوف، در ادامه سخن گفتم «افرادی مانند آقای کوچکف» و طبعاً مجبور شدم توضیح کوتاهی راجع به نام ایشان بدهم. در اینجا آقای کوچک‌زاده جاسوزنی فلزی حاوی سوزن و گیره و محکم به طرف من پرتاب کرد که به پشت مانیئور میز این بنده اصابت کرد به‌طوری‌که یک لحظه احساس کردم مانیئور شکست که اگر به صورت اینجانب اصابت می‌کرد معلوم نبود چه بلایی بر سر من می‌آمد. من اعتنا نکردم و به حرف خود ادامه دادم، اما ایشان از جای خود بلند شد و به‌سوی من آمد. گویی که قصد جان مرا دارد و حرف‌هایی زد که یادم نیست چه گفت. در اینجا ظاهراً من چند کلمه‌ای گفته بودم که خارج از ادب بود و البته در مجلس شنیده نشد و فقط کسانی که از رادیو گوش می‌دادند، شنیدند و محتوای آن «بنشین» و «ساکت باش» و کلمه دیگری بود که معنی آن را نمی‌دانم و جالب است که برخی روزنامه‌ها و سایت‌ها فقط به همان چند کلمه پرداخته بودند. حتی وقتی یکی از دوستان که از رادیو گوش کرده بود به من گفت چنین کلماتی گفתי، گفتم اصلاً یادم نیست و اگر گفتم در یک شرایط غیرعادی بوده است». واژه‌های معادل «بنشین» و «ساکت باش» و لفظ بدی که مطهری آن روز خطاب به کوچک‌زاده گفته بود و از رادیو پخش شده بود و در فایل‌های صوتی موجود از جلسه آن روز در سایت‌هایی نظیر رجانیز منتشر شد، اینها بود: «خفه شو، بتمرگ و!...» حالا باید دید پس از پیش‌کشیدن «پس‌کله‌ای» دوران دبیرستان علوی از سوی کوچک‌زاده، باید منتظر رونمایی از خطرات دیگر دوران مدرسه این دو نماینده تهران باشیم.

«محسن رفیق‌دوست» وزیر سپاه در زمان جنگ و رئیس سابق بنیاد مستضعفان و جانبازان، در گفت‌وگوی مفصلی که با خبرگزاری فارس انجام داده به بیان برخی خاطرات خود از زمان جنگ و پذیرش قطع‌نامه و نیز توصیه هاشمی رفسنجانی به مقام‌معلم‌رهبری درباره مرحوم احمد خمینی پرداخته است.

● مقام‌معلم‌رهبری روزی که در خبرگان بحث شورای رهبری و فردی مطرح بود، و بالاخره مطرح شد که امام فرد خاصی را توصیه کرده است و معلوم شد آن فرد، آقا هستند؛ آقا اول به شدت مخالفت کرد و پشت تریبون آمدند و دو نفر را که هر دو به رحمت خدا رفته‌اند خطاب قرار داد و گفت «شما از من اطاعت می‌کنید؟» رو به آقای خلخالی و آقای احمد آذری قمی گفت: آیا شما از من اطاعت می‌کنید؟ یعنی وقتی مقام‌معلم‌رهبری هنوز رهبر نشده بودند و یک ساعت بعد رهبر شد، هیچ‌گاه با کاریزمای امام نیامدند. ● او درباره این نقل قول از آیت‌الله هاشمی مبنی بر اینکه می‌گویند امام(ره) به ما گفته قطع‌نامه برای من شیرین شد هم گفت: خیر، این جزء مطالبی است که می‌توان استنباط کرد. ما دیدیم برخی آقایان خدمت امام بودند و کسی آن را ضبط نمی‌کرد. باید به اندیشه‌های امام برگشت و به این چیزها تعبید. ● من می‌خواهم بگویم برای برخورد با آقای هاشمی آیا کسی بهتر از آقا هست؟ آقا قیم می‌خواهد؟ ایشان رودریابستی دارد؟ این آقایی که من می‌شناسم از امام هم بی‌رودریابستی‌تر است. به قدری این مرد ثابت‌رأی و در عقیده خود محکم است که اگر ایشان حرف‌هایی را که دیگران درباره آقای هاشمی می‌زنند قبول داشت، دوباره ایشان را برای مجمع تأیید نمی‌کرد و هیچ رودریابستی و رفاقتی هم نداشت.

● یک‌بار دکتر شایگان در دهه فجر به مدرسه علوی آمد و ما با عزت و احترام او را به ملاقات امام بردیم، موقع بازگشت خیلی صریح گفت حرف‌های این آقا (امام) برای اداره مملکت نه ممکن و نه کافی است و قبول نداشت. با درکی که امام از حرف‌های آنها داشت، فرمود جبهه مرتد ملی. اگر امروز سیاستمداران ما دنبال جبهه ملی و نهضت آزادی هستند، هر دوی آن سیستم فکری را امام دور ریخته است. ● برداشت خودم به عنوان یک عضو مؤثر و حساس در رأس جنگ این است که ما در آن زمان به مشکلی برخوردیم که اتفاقاً جلسه‌ای در استانداری تهران تشکیل شده بود و از بنده به عنوان وزیر سپاه دعوت کرده بودند، وقتی به آنجا رفتم تصور کردم برای کارکنان استانداری است؛ اما دیدم اکثر وکلای تهران و برخی از وزرا در آن حضور دارند؛ وقتی که پشت میکروفن رفتم، گفتم متأسفم که زیر این آسمان کیود فقط دو نفر به شعار «جنگ جنگ تا پیروزی، اعتقاد دارند: یکی امام است و دیگری صدام. این صحبت من مورد اعتراض بزرگان هم قرار گرفت ولی همان‌جا به وزرا خطاب کردم کدام‌یک از شما جنگ جنگ تا پیروزی را قبول دارید و برای آنها مثال زدم که آقای وزیر من که از شما فلان امتیاز را خواستم برای جنگ به من دادید؟ چیزی که من خودم با هفت هزار و ۵۰۰ تومان ساختم، شما می‌خواستید ۷۵ هزار تومان از من پول بگیرید. ● آقای هاشمی نیز به این نتیجه رسیده بود، ایشان

پاسخ امام به نامه رضایی

پس از آنکه نامه محسن رضایی در سال ۸۵ برای اولین بار در رسانه‌ها منتشر می‌شود، پاسخ امام به آن نامه هفتم مهر سال ۱۳۸۵ از سوی دفتر آیت‌الله هاشمی در اختیار خبرگزاری فارس قرار می‌گیرد. در بخشی از آن نامه امام چنین پاسخ داده است: «با توجه به نامه تکان‌دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی - سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به این‌جانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسایل خنثی‌کننده آن، این‌جانب با آتش‌بس موافقت می‌کنم و برای روشن‌شدن درباره اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است، اشاره می‌شود، فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی‌ای نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به‌دست می‌آوریم، قدرت عملیات انهدامی یا مقابله‌به‌مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما ۳۵۰ تیپ پیاده و دوهزار و ۵۰۰ تانک و سه‌هزار توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر ...که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است، داشته باشیم می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آتقدی داشته باشیم. وی می‌گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دوبرابرونیم افزایش پیدا کند. او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم والا موفق نخواهیم بود. این فرمانده، مهم‌ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به‌موقع بوده و امکانات دانسته است و آورده است بعید به‌نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد عمل کنند؛ البته با ذکر این مطالب می‌گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست. امام در پایان آن نامه می‌نویسد: «گفتم جلسه‌ای تشکیل کرد آتش‌بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند، صریحاً می‌گویم باید تمام همتان در توجیه این کار باشد».

انا لله و انا الیه راجعون

خواهر، دوست و همکار گرامی سرکار خانم اشرف بروجردی

درد جانکه از دست دادن فرزند هم به دردهای جانسوز عمر پربرکتان افزوده شد. بر این باوریم که این امتحان بزرگ را نیز چون آزمون های پیشین با شکیبایی و سرافرازی پشت سر خواهید گذاشت. فرزند برومندان به پدر شهیدش پیوست و چون او در بهشت الهی متنعم خواهد شد. از درگاه خداوند مهربان اجری که زیبنده صبرجمیل است برای شما و کلیه بازماندگان آرزومندیم.

سید مصطفی تاجزاده - فخر السادات محشمی پور

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه

فمنهم من قضی نجبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

سرکار خانم بروجردی

درگذشت فرزند رشیدتان دکتر امیر معتمدی ما را در اندوهی سترگ فرو برد، غم شما غم ماست و صبوری تان در این سوگ بزرگ آرزویمان. از درگاه خداوند متعال برای ایشان علو درجات و برای شما و کلیه بازماندگان شکیبایی و اجر جزیل آرزومندیم.

شورای همگرایی زنان احزاب اصلاح طلب

سیاست



عکس: امیرحیدری - شرق

پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ به روایت رفیق‌دوست

خوب زمانی جنگ تمام شد

خود را آزاد کرده و در اوج قدرت نظامی و بسیج مردمی بودیم. ما که نمی‌خواستیم صدام را ساقط کنیم و عراق را نکه داریم و باید آن را به مردم عراق می‌دادیم. ما وقتی خرمشهر را گرفتیم عراق در اوج قدرت بود. من سال ۶۲ موافق ادامه جنگ بودم نه در سال ۶۸.

● تا زمانی که جنگ تمام نشد، من نمی‌گفتم یکی از منابعم که در سطح بالا مهمات تهیه می‌کردم از کشور بی‌طرفی همچون سوئیس است و آن زمان کانال خود را لو نمی‌дам، چراکه اگر این کار را می‌کردم آمریکا جلوی آن را می‌گرفت. بخشی از سلاحی که از زمان رژیم سابق دست ما بود، سلاح‌های غربی بود و باید مهمات آن را نیز از غرب می‌آوردیم و هیچ کشور غربی‌ای هم آن را به ما نمی‌فروخت، از این رو ما امکانات آنها را از سوئیس تهیه می‌کردیم. اینکه در مذاکرات ژنو و وین مطرح می‌شود از همین مقولات زیر خط قرمز می‌خواهند بده‌بستان کنند، نباید از حالا آن را فریاد برزند. چراکه مهم نرسیدن به خط قرمز لجستیک جنگ شده است. اینها از فرمانده سپاه سؤال می‌کنند این جنگ کی تمام می‌شود. می‌گویند وقتی که ما بغداد را بگیریم، می‌گویند بغداد را چه زمانی می‌توانیم بگیریم، می‌گویند وقتی صدام ساقط شود. برای این کار چه می‌خواهیم؟ گفتند این چیزها را می‌خواهیم.

● او در پاسخ به این سؤال که در همان نامه‌ای که آقای محسن رضایی به آقای هاشمی نوشت،گفته است: بله نیازهای خود را آنجا اعلام کردند؛ من اگر در پست خودم بودم می‌گفتم اینها را به شما خواهم داد؛ یعنی در آن زمان بندی که اعلاا شده بود؛ چراکه آقای رضایی آن امکانات را در یک زمان‌بندی خواسته بود و همه را در یک زمان درخواست نکرده بود و می‌شد هم آنها را تهیه کنیم. بنابراین گروهی که می‌خواستند جنگ را تمام کنند این نامه را که بین فرمانده و رئیس ستاد جنگ بود، خدمت امام بردند و گفتند این امکانات را از ما می‌خواهند و ما هم نمی‌توانیم تأمین کنیم. بعد هم پیشنهاد می‌کنند آتش‌بس پذیرفته شود. به نظر من خوب زمانی جنگ تمام شد، ما همه سرزمین

والفجر یک خیلی علیه ما شلوغ کردند و ما مجبور شدیم با فرماندهان اصلی جنگ خدمت امام شرفیاب شویم و امام نیز با یک جمله مسئله را حل کردند. گفتند چه کسی گفته شما شکست خورده‌اید، شما عدم‌الفتح داشته‌اید و شما هیچ‌گاه شکست نمی‌خورید.

● بحث اعدام فرماندهان مطرح نبود، من به‌تازگی هم که شنیدم تعجب کردم. ● زمان جنگ یکی از پسرهای مقام‌معلم‌رهبری، یکی از پسران آقای هاشمی، یکی از پسران آقای ناطق، یکی از پسران بنده و پسر آقای بجنوردی، گروهی در لشکر ۱۰ سیدالشهدا بودند و در منطقه مهران یک‌متربه گم شدند و من وقتی خدمت آقا رسیدیم ایشان فرمودند دعا کنیم اینها شهید شوند و اسیر نشوند. این واقعیتی بود که فرزندان مسئولان مانند سایر مردم در جبهه‌ها حضور داشتند. اما اسامی آنها متفاوت از پدرانشان بود، مثلاً فرزند مقام‌معلم‌رهبری با نام حسینی، فرزند آقای هاشمی با نام آقای بهرمانی و پسر من نیز با نام تهرانی و پسر آقای ناطق به اسم نوری در جبهه‌ها حضور داشتند و اسم مشهور روی خود نگذاشته بودند. درنهایت نیز مشخص شد آنها جایی بین دشمن و خودی‌ها گیر کرده‌اند و زمانی که نیروهای خودی حمله کردند، آنها نیز برگشتند. ● شاید در رسانه‌ها نگفته‌ام، یک روز آقای هاشمی مرا خواست و گفت: «به این رفیق خود بگو آن‌قدر با احمدآقا بد نباشد و با احمدآقا بسازد. من نزد آقای خامنه‌ای رفتم و عرض کردم بنده پیش آقای هاشمی بودم و به من گفت خدمت شما بیایم و بگویم با احمد آقا بهتر تا کنید. ایشان ناراحت شد و گفت من با احمدآقا مشکل ندارم، اگر سازش در برابر اصول است که اصلاً امکان ندارد و رفیق گرمابه و گلستان است که ما با هم رفیق هستیم».

● او در پاسخ به این سؤال که چه شده بود آقای هاشمی این حرف را به شما گفت؟ گفته است: من آنچه را دیده و شنیده‌ام می‌گویم. اینها را من نمی‌دانم، اما بعد از رحلت امام و دو، سه ماه قبل از رحلت حاج احمدآقا، ما جلساتی داشتیم؛ ۱۵ نفر از اعضای سابق حزب مؤتلفه بودیم که هر ماه جلسه‌ای داشتیم و مطالبی که می‌خواستیم به عرض امام برسانیم یا اگر امام فرمایشاتی داشتند، حاج‌احمدآقا می‌آمدند و ردوبدل می‌شد. یکی، دو جلسه قبل از رحلت احمدآقا، من این خاطره را در جلسه نقل کردم که احمدآقا گفتد یکی از دلایل اینکه امام، آقای خامنه‌ای را برای رهبری مناسب دیدند، همین صلایت رای آقای خامنه‌ای بود.



الو شرق ۰۲۶۰۸۸۶۴۰

sharghline@sharghdaily.ir
پایک:۰۴۶۹۹۰۳۰۰

● مشکلات کرایه‌های غیربُرد! برخی رانندگان شرکت واحد کرایه‌های ۶۵۰ تومانی را ۷۰۰ تومان دریافت می‌کنند. رُندنبودن کرایه‌ها و کمبود پول خرد هم مزید بر علت است. چرا اعضای شورای شهر هنگام تعیین کرایه‌ها، آنها را طوری تعیین می‌کنند که مسافران و رانندگان دچار مشکلات فراوانی شوند؟

رضا قره‌داغی از تهران

● سکوت در برابر تخلف: درحالی‌که بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده و بیکار، دربه‌در برای یافتن کار تلاش می‌کنند، اما هیچ سازمان یا مؤسسه‌ای، بدون داشتن پارتنی آنها را استخدام نمی‌کنند، بااین‌حال برخی مراکز از بازنشستگان دوباره دعوت به کار می‌کنند که این کارشان تخلف است و بدتر از همه سکوت مسئولان وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی است که با سکوتشان، ساز این‌گونه تخلف‌ها را بیشتر کوک می‌کنند و همان مراکز تخلف بیشتر به تخلفشان ادامه می‌دهند. امیدواریم سازمان بازرسی برای پیگیری این تخلف‌ها به مراکز و مؤسسه‌هایی که به‌طور غیرقانونی از بازنشستگان دعوت به‌کار می‌کنند، ورود پیدا کند و یک بار برای همیشه به تخلف‌های صورت‌گرفته رسیدگی کند.

علی از تهران

● شهرداری منطقه ۳ پله‌برقی را تعمیر کند! پله‌برقی بزرگراه شهید حقانی، مقابل خیابان نفت‌جنوبی، بیشتر مواقع خراب و خاموش است. مسافران مترو ایستگاه شهید حقانی، ساکنان و کارمندان اداراتی که در حوالی این ایستگاه هستند و مجبورند از روی این پل رفت‌وآمد کنند، از شهردار منطقه سه تقاضای رسیدگی فوری تعمیر پله‌برقی را دارند.

میترا احمدی از تهران

● برق‌زدی! دست‌فروشان سراسیاب و جاده ملارد بدون پرداخت عوارض شهرداری و شرکت برق، شب‌ها، برای اینکه بساطی نورانی داشته باشند و مشتریان بیشتری را جلب کنند، با استفاده از برق غیرمجاز، (برق‌زدی)، به تخلفشان ادامه می‌دهند. ضرورت دارد مسئولان شرکت متخلفان برابر مقررات رفتار کنند.

حمید ویزواری

Life's Good

فصلی نو در پاکیزگی

با تکنولوژی بخار True Steam™ ال‌جی

برند محبوب لباسشویی

در سال ۱۳۹۳

www.goldiran.ir ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳

پاسخ گویی و خدمات ۲۴ ساعته ۷ روز هفته (بدون تعطیل)

Pink Service

ارائه خدمات توسط زوج تک‌نشین (تهران)

گلدیران

روی خوش زندگی